



عناصر معماری

(از فرم به مکان)

پیرفون مایس

ترجمه‌ی مجتبی دولتخواه

انتشارات ملانگ، ۱۳۸۴

مداخله‌ی نسبی دارد که در آن هدفمندی بیش از هنرگرایی موردنظر است.

کتاب دستور کار و سبک خاصی را ارائه نمی‌کند، زیرا درک واقعی دنیای فرم‌ها و فضاهاست که تشکیل‌دهنده‌ی جوهره‌های اصلی معماری هستند. مبحث بعدی به پدیده‌ی درک که قسمت عمده‌ی کتاب به درک احساس معماری اختصاص داده شده پرداخته و سپس موضوعاتی چون سادگی و پیچیدگی، قانون‌مندی و ناقانون‌مندی پی گرفته می‌شود. درواقع بررسی پدیده‌ی درک، نگاه اجمالی از این حقیقت را ارائه می‌دهد که قاعده و نظم برای انسان یک ضرورت است. با درک فطری از نظم فرایند یادگیری نیز به آن اضافه می‌شود که باتوجه به محیط و فرهنگ گوناگون، به ما کمک می‌کند تا به خودمان جهت بدهیم. به قول نویسنده هرگز تنها یک نظم، یک معیار یا یک تعادل ایده‌آل وجود نخواهد داشت.

در بحث اندازه و توازن به موضوعاتی چون انسان‌شناسی و معماری، جذابیت عددی و تناسب، توازن، تقارن و ... همچنین در مبحث کالبد و شیء به شهر و بناهای تاریخی، ترکیب شیء و همبستگی و پیوستگی، بنای شاخص فضایی بودن اشیاء و ارتباط بین آنها و غیره مورد بررسی قرار گیرد. نویسنده آن‌گاه به فضا و عناصر فضایی و ... ژئومتری طرح‌ها و بخش‌ها و فضاها، نور و سایه، کف و دیوار و سقف و سپس به مبحث مکان پرداخته و فصل آخر را نیز به فرم و ماهیت مواد حقیقت یا عدم حقیقت و مواد گرانش‌های خاص خود را دارند و ... طراحی اختصاص داده است.

کتاب حاضر که تحت عنوان عناصر معماری به چاپ رسیده طی ۹ فصل به مباحثی چون روزن‌ها، پدیده‌ی درک، نظم و اختلال، اندازه و توازن، کالبد و شیء، فضا، مکان، فرم و ماهیت مواد و طراحی پرداخته است.

فون مایس که پروفیسور معماری پلی تکنیک ایالتی لوزان سوییس است، معتقد است که معنویت برخی شهرها از دیگر شهرها بیشتر است و این امر ناشی از فرم معماری و نوع معماری شهر است. او از معماری ماشینی پرهیز دارد و در پی معماری معنوی و شناخت زیبایی است. به نظر او انسان با دانش ابتدا باید هدف را مشخص کند و باید بداند که ساختمان برای سودجویی ساخته می‌شود یا برای آسایش ساکنان آن. فون مایس در این اثر بیشتر به معماری اروپا و غرب توجه کرده و کمتر به معماری سنتی شرق پرداخته است.

در فصول کتاب ابتدا به روزن‌ها پرداخته و متذکر می‌شود که روزن را می‌توان چشم، گوش، بینی و دهان ساختمان دانست. زیرا نه تنها ظاهر ساختمان را شکل می‌دهد که این اجازه را نیز می‌دهد تا ساکنان ساختمان ببینند، بشنوند و احساس کنند آنچه را جزئی از آن هستند.

همچنین به منظور اینکه خود را عادت دهیم چه نوع تفکری را در مورد ساخت یک پنجره‌ی محض در پیش گیریم، وی دو پیشنهاد ارائه می‌دهد. اینکه اصول اساسی فرم و نظم و ترتیب در ساختمان، به خصوص اصولی که نسبتاً غیروابسته به سبک و دوره‌ی زمان است و دیگر آنکه معماری معاصر را که وضعیت موجود کار و زندگی در آن